

بعد از جنگ صفین امیرالمومنین علیه السلام از برخی یاران ولایتمدار خویش با حالی منقلب یاد کردند و فرمودند:

«أَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ، وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ؟»

کجایند برادران من که راه حق را رفتند؟

این عمار، این ابن تیهان، این ذُو الشَّهادتین؟

این نُظرائُهم مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمُئِيَّةِ وَ أُبْرِدَ بِرُؤُسِهِمْ إِلَى الْفَجْرَةِ؟

و کجایند مثل عمار، مثل ابن تیهان، مثل ذوالشهادتین که در راه حق با هم عهد بستند و سرهایشان را برای

ستمگران فرستادند؟

ثُمَّ ضَرَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ عَلَى لِحْيَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ، فَأَطَالَ الْبُكَاءَ.»

(ببینید چقدر در نزد حضرت عزیز شدند که حضرت به صورت خود زد و گریه‌ای طولانی کرد.)

«ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْهَ عَلَى إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ! وَ تَدَبَّرُوا الْفَرَضَ فَأَقَامُوهُ! وَ أَحْيَوْا السُّنَّةَ وَ أَمَاتُوا الْبِدْعَةَ، دَعُوا لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا، وَ وَتَفُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوا!»^۱

سپس ادامه دادند: آه از آن برادرانم که قرآن را خواندند و آن را حَکَمَ قرار دادند، در واجبات اندیشیدند و با

معرفت آن را برپا داشتند، سنت‌ها را احیاء کردند و بدعت‌ها را میراندند، به جهاد دعوت شدند و آن را اجابت

کردند، و به قائد و راهنمای خویش ایمان داشتند و از او تبعیت کردند.

خداوند می‌فرماید:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.» (نساء/ ۶۵)

در آیه فوق نشانه‌های ایمان واقعی در سه مرحله بیان شده است:

۱- در تمامی موارد اختلاف خواه بزرگ باشد یا کوچک، به قضاوت و داوری پیامبر صلی الله علیه و آله که از حکم الهی سرچشمه می‌گیرد مراجعه کنند، نه به طاغوت و داوران باطل.

۲- هیچ‌گاه در برابر قضاوت‌ها و فرمان‌های پیامبر صلی الله علیه و آله که همان فرمان خدا است حتی در دل خود احساس ناراحتی نکنند، و به داوری‌ها و احکام او بدبین نباشند.

۳- در مقام عمل نیز آن را دقیقاً اجرا کنند و به طور کامل تسلیم حق باشند.^۲

ایجاد

انگیزه

اقناع

اندیشه

۱. بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۱۲۷.

۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۵۴.

حضرت زهرا^{علیها السلام} شهیده ولایت، رابطه شیعه با امامش را به زیبایی از رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} نقل نمودند:

«مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي»^۳

یعنی "زندگی بر مدار ولایت" یا همان "ولایتمداری".

اگر از بین دوازده امام تنها یک امام فرصت برقراری حکومت عدل الهی را، آن هم تنها برای پنج سال و آن هم با آن همه مخالفت‌ها و کار شکنی‌ها و خون دل‌ها پیدا کرد به خاطر کمبود ولایتمداری در بین مردم بود. مأمون می‌گوید: خدمت حضرت صادق^{علیه السلام} بودم که سهل بن حسن خراسانی وارد شد، سلام کرد و نشست. عرض کرد: یا ابن رسول الله! شما امام هستید چرا از حق خود دفاع نمی‌کنید با این که بیش از صد هزار شیعه شمشیر زن دارید. فرمود: بنشین خراسانی! خدا جانب ترا رعایت کند. به کنیزی به نام حنیفه فرمود تنور را بیفروزد. تنور یک پارچه آتش و قسمت بالای آن سفید شد. بعد به مرد خراسانی فرمود: برو داخل تنور بنشین. خراسانی شروع به التماس کرد: یا ابن رسول الله مرا به آتش مسوزان. از جرم من درگذر، خدا از تو بگذرد. فرمود ترا بخشیدم. در همین موقع هارون مکی وارد شد، درحالی که کفش خود را با انگشت گرفته بود، عرض کرد: السلام علیک یا ابن رسول الله. امام فرمود نعلین را بیانداز، برو داخل تنور بنشین. نعلین را انداخت و داخل تنور نشست. امام شروع کرد با خراسانی صحبت کردن از جریان‌های خراسان مثل اینکه در خراسان بوده، بعد فرمود خراسانی برو ببین در تنور چه خبر است. هارون چهار زانو در تنور نشسته بود. از تنور خارج شد. امام^{علیه السلام} فرمود: از این‌ها در خراسان چند نفر پیدا می‌شود؟ عرض کرد: به خدا قسم یک نفر هم نیست. فرمود ما تا زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد. ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می‌دانیم.^۴

تحریک
احساس

بدانیم تا ولایتمدار نشویم امام زمانمان قیام نمی‌کنند!

در زمانه ما شهدا درس ولایتمداری را به احسن وجه از قرآن و اهل بیت^{علیهم السلام} آموختند و مو به مو اجرا کردند و مدال شهادت را هم از همین طریق به دست آوردند؛ یک نمونه از این عاشورائیان شهید خواستان است. هر موقع امام دستور حضور مردم در جبهه را تکرار می‌کردند، چهره‌اش می‌رفت توی هم و می‌گفت:

« ما خیلی بی‌انصافیم که می‌گذاریم امام یک دستور را دو مرتبه تکرار کنند. یک اشاره امام کافیهست که ما تکلیف خودمان را بدانیم. حتما قصوری از ما سر زده که امام دستورشان را دوباره تکرار کردند».^۵

اما متأسفانه امروز می‌بینیم در اثر بی‌توجهی و کوتاهی برخی از ما به اصطلاح ولایتمدارها، امام خامنه‌ای^(دام ظلّه) باید یک حرف را بارها تکرار کند، ولی گاهی اوقات باز هم هیچ اثری از کلام آقا در رفتار ما مشاهده نمی‌شود. چرا اجازه می‌دهیم کلام نائب امام زمان^{عجل الله تعالی فرجه} بر زمین بماند؟ شهید احمد رضا احدی شده بود رتبه اول

رفتار
سازی

۳. کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۲۰۰.

۴. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

۵. شمیم جماران، خاطرات عشق شهدا به امام خمینی ره، کاجی حسین، ص ۲۶.

پزشکی، اما وقتی حرف دفاع از اسلام و انقلاب پیش آمد به اطاعت از فرمان امام برای پر کردن جبهه‌ها درس و دانشگاه را رها کرد و رفت دانشگاه اصلی؛ جبهه.

احمد رضا وصیت زیادی ندارد فقط یک خط، اما همین یک خط وصیتش هم یک دنیا حرف دارد:

«فقط نگذارید حرف امام به زمین بماند.»^۶